

## تعدد زوجات، اصل یا استثناء (محدودیت‌های قانونی)

بهناز مدبری\*

چکیده:

درباره اختیار مرد و زن در تعدد زوجات تحولات گوناگونی صورت گرفته است. به اجمال می‌توان گفت که، تغییر قوانین همیشه در جهت محدود ساختن مرد بوده و اخلاق عمومی نیز در این تحول با قوانین همگام بوده است، ولی برای فهمیدن موقعیت کنونی این نهاد حقوقی مطالعه سیر تحول آن ضروری است. در عرف و عادت مسلم، که ریشه مذهبی دارد، در مورد نکاح دائم، بیش از چهار زوجه را جایز نمی‌شمارد. در فقه و حقوق اسلامی هم، تعدد زوجات به چهار زن دائمی محدود شده است و در قانون مدنی خانواده، در جواز ازدواج مجدد مرد علل مختلفی بیان شده است که در مقاله حاضر به این موارد اشاره اجمالی گردیده است.

واژگان کلیدی: تعدد زوجات، نکاح، عقد دائم

## مقدمه

در مقدمه باید به بحث تعدد زوجات به قبل و بعد از اسلام و زمان حال و به عبارت دیگر تاریخچه تعدد زوجات اشاره نمود.

ابتدا به بحث تعدد زوجات به قبل از اسلام می‌پردازیم:

بعضی تصور کرده‌اند که اسلام مبتکر تعدد زوجات بوده است، ولی این پندار، ادعایی نادرست است و تاریخ نشان می‌دهد که چند زنی، قبل از اسلام هم در میان بسیاری از ملل به ویژه ملل شرق اعم از یهودی، ایرانی، عرب و غیر آنها شایع بوده است.

کریستن سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان (صفحه ۳۴۶) می‌گوید: اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده در ایران ساسانی به شمار می‌رفت.

در عمل، تعداد زنانی که مرد می‌توانست داشته باشد به نسبت توانایی مالی او بود. ظاهراً مردم کم بضاعت به طور کلی بیش از یک زن نداشت و رئیس خانواده از حق ریاست دودمان بهره‌مند بود.

سعید نفیسی در تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان راجع به عصر ساسانیان می‌نویسد: شمار زنانی که مرد می‌توانست بگیرد نامحدود بود و گاهی در یونان دیده شده است که مردی چند صد زن داشته است.

در میان اعراب زمان جاهلیت، تعدد زوجات شایع بوده و حد و حصری نداشته است. در تورات تعدد زوجات به رسمیت شناخته شده و این کار در میان یهودیان مرسوم بوده است و حتی گفته‌اند: چون حضرت مسیح مقررات تورات را تأیید کرده و شیوه چند زنی را صریحاً فسخ ننموده، پس در اصل در دین مسیح تعدد زوجات تجویز شده و بعضی از مسیحیان قدیمی هم چند زن داشته‌اند.

تعدد زوجات در میان اقوام پیشین علل فراوانی داشته، که شاید مهم‌ترین آنها این بوده که زندگی مردان به واسطه اشتغال به جنگ و شکار بیشتر در معرض خطر بود و مردان بیشتر از زنان تلف می‌شدند و فزونی عده زنان بر مردان رواج چند زنی را ایجاب می‌کرد، به ویژه آنکه به سبب فراوانی مرگ و میر، تولید مثل و افزایش جمعیت مطلوب بود.

تجویز تعدد زوجات در اسلام و ممنوع نکردن آن به طور کلی به جهت مصالح اجتماعی و جلوگیری از مفاسد و فحشاء و منکرات است. صاحب‌نظران دنیا نیز در این زمینه، اقداماتی دارند که ما به نمونه‌ای از آنها توجه می‌کنیم.

۱- اشلی مونت‌اگر در کتاب (زن جنس برتر) می‌گوید:

در سراسر عالم پیوسته میزان زنان آماده ازدواج بر مردان فزونی دارد. آمارگیری سال ۱۹۵۰ نشان داد که زنان آماده به ازدواج آمریکا به اندازه یک میلیون و چهارصد و سی هزار تن بر مردان افزایش دارد.

۲- برتراند راسل در کتاب (زناشویی و اخلاق) می‌نویسد:

در انگلستان کانونی بیش از دو میلیون زن زائد بر مردان وجود دارد که، بنا به عرف باید همواره عقیم بمانند و این برای ایشان محرومیت بزرگی است.

۳- شوپنهاور فیلسوف آلمانی در کتاب (سخنی چند درباره زنان) می‌نویسد:

در بین مللی که قانون تعدد زوجات، قانونی و جایز است، امکان آنکه اکثریت قریب به تمام زنان دارای شوهر و فرزند و سرپرست باشند، یعنی خواسته‌های روحی و غریزه‌های آنان اشباع باشند بسیار است، اما در اروپا که قوانین کلیسا به ما اجازه این کار را نمی‌دهد زنان بی‌شوهری وجود دارد و چه بسیار دختران و زنانی که تا آخر عمر به همین حال باقی خواهند ماند و چه بسیار زنان و دخترانی که بر اثر اجبار و فشار غریزه جنسی نقد عصمت خویش را به بدنامی می‌فروختند و عمری را با شرمساری و عصیان وجدان می‌گذراندند و عاقبت به شوهر و فرزند، که هر دو خواسته مشروع و طبیعی و حیاتی هر زن است نمی‌رسیدند.

۴- گوستا و لویون فرانسوی می‌نویسد:

در اقوامی که گرفتن یک زن بیشتر معمول نیست، فساد اخلاقی و بیوفایی زنان شوهردار روزافزون است.

۵- مسیولوپلاس (Miupe LAS) می‌گوید:

من قانون تعدد زوجات را تجویز می‌کنم.

۶- پرفسور راسلی محقق برجسته آمریکایی می‌گوید:

ازدواج با یک زن و انتخاب یک زن برای تمام مدت عمر غیرطبیعی و نامعقول است. [۱]

در مقابل اینها باید متوجه این مطلب باشیم که اسلام برای تداوم خانواده دستورهای حقوقی متقابل مطرح نموده که زن و مرد را موظف می‌سازد که آنها به رسمیت بشناسند.

در اسلام تعدد زوجات به حداکثر چهار زن دائم محدود گردیده است و به آن شرایط مهمی اضافه گردیده و آن (رعایت عدالت) است که در تحلیل محتوایی به کلی توضیح خواهیم داد و قانون مدنی جز در مواردی خاص، تعدد زوجات را قبول نمی‌کند و آن را رد می‌کند و جرم و مرتکب به آن را مجرم می‌داند.

### تحلیل محتوایی

در بحث تعدد زوجات کلمه قسم مطرح است. قسم در لغت به معنی پخش کردن است و در منتهی الارب به معنی افتادن چیزی در دل و گمان پیدا شدن بدان و سپس آن گمان نیرو گرفتن و به یقین رسیدن، قوت گرفتن جانب معلوم و اندازه کردن و نوبت نگاه داشتن بین نساء آمده است. مراعات و برابری بین زوجات در خوراک، آشامیدن و پوشیدنی و بیتوته در دوستی از واجبات قسم است [۲] و در اصطلاح عبارت است از تقسیم کردن شبها بین زنان و این تقسیم احتمال دارد از ناحیه زنان و مردان، هر دو باشد و این احتمال را صاحب جواهر داده است و این تعریف از قسم را مشهور فقهاء معتقدند. [۳] در حقوق اسلام تعدد زوجات به چهار زن دائمی محدود شده و استیفاء عدد از موارد نکاح به شمار آمده است و مرد نمی‌تواند زن پنجمی را به عقد دائمی بگیرد. [۴]

شیخ طوسی در خلاف آورده است که، هر مردی می‌تواند با چهار زن ازدواج کند و این بدون خلاف است ولی مستحب این است افزون بر آن تعدادی که او را کفایت می‌کند اختیار نکند. همه فقهاء فتوا داده‌اند که مستحب اختیار کردن بر یکی است.

[۱۴]

ولی همه، رعایت عدالت را شرط دانسته‌اند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

(و ان خفتم ان لاتعدلو فواحده) (سوره نساء آیه ۳) یعنی اگر بیم دارید که عدالت نکنید فقط یک زن بگیرد.

و آیه (قد علمنا ما فرحنا علیهم فی ازواجهم) یعنی حقوقی از قبیل لباس، غذا و مهر را بر مردان واجب کرده‌ایم که باید به زنان خویش پرداخت کنند. چون رعایت عدالت کاری دشوار است از این‌رو مسلمانان واقعی همیشه از چند زن داشتن پرهیز کرده‌اند و جز در مواقع ضرورت به آن روی نیاورده‌اند. بدین جهت نظام تعدد زوجات هیچ وقت در کشورهای اسلامی رواج زیادی نداشته و همواره استثنایی تلقی می‌شده و خانواده مسلمانان، اغلب تک همسر بوده است. [۴]

اسلام مهم‌ترین مسأله را شرط عدالت مرد می‌داند و البته قانون تعدد زوجات را به علل متعدد تجویز می‌کند که از آن جمله‌اند:

- ۱- زیاد بودن تعداد زنان از مردان در دنیا
- ۲- زودتر به سن بلوغ رسیدن دختران
- ۳- زنان تا حدود ۴۰ تا ۵۰ سالگی قدرت باردار شدن را دارند و مردان تا آخر عمر و نتیجه اینکه زن از لحاظ عدد زیادتر از مردان و از نظر بارور شدن کمتر از مرد بودند، پس برای جبران خلاء و کسری نیز این مسأله، تعدد زوجات مطرح است.
- ۴- قوی‌تر بودن قدرت و نیروی جنسی در برخی مناطق و به جهت عوارض و عادات ماهانه و مدت زایمان و حرمت همخوابگی در ایام عادت و پرهیز در مواقع آبستنی و نیز ناپسند بودن لواط و زنا و استمناء تعدد زوجات را برای مردان بهترین راه کرده است. استاد شهید مطهری رضوان الله علیه در پاسخ به این مسأله که اسلام تعدد زوجات را جایز دانسته، توضیح جالبی دارند که ذیلاً می‌آید: (۱) برای مرد و زن حق تأهل یک حق طبیعی است. (۲) فزونی نسبی عدد زنان بر مردان امری است مسلم و حق تأهل برای یک مرد یعنی حق اشباع

گریزه و حق همسر و شریک و همدل داشتن و حق فرزند قانونی داشتن و برای زن علاوه بر همه اینها یعنی حامی و سرپرست داشتن و حق پشتوانه عواطف داشتن و با توجه به دو مطلب فوق نتیجه این است که اگر تک همسری تنها صورت قانونی ازدواج باشد عملاً گروه زیادی از زنان از حق طبیعی انسانی خود (حق تاهل) محروم می‌مانند و تنها با قانون تجویز تعدد زوجات، البته با شرایطی که در اسلام مقرر است، این حق طبیعی زنان احیا می‌گردد. [۱]

حال به چگونگی امکان ازدواج مجدد برای مرد در حقوق کنونی می‌پردازیم: در تحریرالوسیله آمده است: تسویه بین زنان در اتفاق و توجه بدانها و گشاده‌رویی و دخول بدانها مستحب است و اینکه در صبح هر شبی نزد صاحب آن شب باشد. [۵]

از امام کاظم (ع) سوال شد درباره مردی که دو زن دارد و اگر لباس و نفقه یکی را بیشتر از دیگری قرار دهد آیا جایز است؟ امام (ع) فرمودند: اشکال ندارد، ولی رعایت عدالت بهتر و افضل است. [۶]

در قانون مدنی خانواده در علل جواز ازدواج مجدد مرد موارد زیر بیان شده‌اند:

- ۱- رضایت همسر اول
- ۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی
- ۳- عدم تمکین زن از شوهر
- ۴- ابتلاء به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸
- ۵- محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸ (پنج سال حبس یا بیشتر)
- ۶- ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸
- ۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن
- ۸- عقیم بودن زن
- ۹- غایب، مفقود الاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸

### مبنای حقوقی و هدف اجازه نکاح مجدد از دیدگاه قانون

از ملاحظه ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده، که اکنون بیشتر مورد توجه نیست، چنین برمی‌آید که قانونگذار خواسته است با اجازه دادن نکاح دوم از انحلال نکاح نخست جلوگیری کند و بدین وسیله شوهر را از پافشاری در طلاق زن باز دارد. به همین جهت بسیاری از موجبات درخواست طلاق را در ماده ۱۶ از دلایل مباح ساختن نکاح دوم قرار داده است و اشاره او به بندهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ (که موجبات طلاق را می‌شمرد) این هدف را به روشنی نشان می‌دهد.

در بند ۴ ماده ۱۶ در جایی که جنون را از موارد امکان زن گرفتن دوم می‌شناسد، برای توصیف جنون به ۶ از ماده ۸ ارجاع داده است. معنی ارجاع این است که جنون در همان شرایطی که از موجبات طلاق قرار می‌گیرد، شوهر را به گرفتن همسر دوم مجاز می‌کند؛ یعنی در مواردی که به استناد جنون فسخ ممکن نباشد؛ شوهر می‌تواند همسر دوم بگیرد، ولی هرگاه شوهر بتواند از حق فسخ استفاده کند به او اجازه نکاح مجدد داده نمی‌شود.

در توجیه این تفاوت ممکن است گفته شود که اجازه نکاح مجدد در نظر قانونگذار، امری ناخوشایند است که فقط در موارد ضروری از آن استفاده می‌شود. پس در جایی که شوهر می‌تواند با استفاده از فسخ نکاح از خود رفع ضرر کند، دیگر لزومی ندارد که دو همسری اجازه داده شود و نیز اگر فردی بدون رضایت همسر اول به ازدواج مجدد اقدام نماید برابر ماده ۱۷ قانون جدید حمایت خانواده این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید و به طلاق اقدام کند. بنابراین قاعده در صورت ازدواج مجدد شوهر، زن اول حتی اگر به ازدواج رضایت داده بود می‌توانست تقاضای گواهی عدم امکان سازش برای طلاق کند، در حالی که برابر قانون پیشین فقط در صورتی که شوهر بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار می‌کرد همسر اول حق طلاق داشت. [۴]

به هر حال امروزه می‌توان گفت که اجرای عدالت در ماده ۱۷ قانون جدید، رعایت حقوق زن اول است. اگر شوهر با بد رفتاری کردن، زدن و یا فشار و تهدید،

رضایت همسر اول را برای ازدواج جدید جلب کرده باشد دادگاه نباید به آن ترتیب اثر دهد؛ زیرا که شوهر اجرای عدالت نکرده است و شک نیست رضایتی که ناشی از اکراه باشد، نباید مجوز دو زن داشتن شناخته شود و دادگاه فقط باید به رضایتی ترتیب اثر دهد که واقعی و دور از اشتباه و اکراه است.

### ضمانت اجرای تخلف از قانون

باید گفت که از ظاهر بخش اخیر ماده ۱۷ قانون جدید چنین برمی آید که قانونگذار با استقرار مجازات با تعدد زوجات خودسرانه و بدون اجازه مبارزه کند و در عین حال نیز از نتایج ناگوار ابطال نکاح بپرهیزد.

چنان که در پایان ماده ۱۷ آمده است. (هرگاه مردی با داشتن همسر، بدون تحصیل اجازه، از دادگاه به ازدواج مبادرت نماید به حبس جنجهای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد).

همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد است، ولی در صورت گذشت همسر اولی، تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.

پس جرم مرد و زن جدید جنبه عمومی ندارد و هرگاه همسر اول از تعقیب بگذرد، مردی را که بدون اجازه دادگاه زن گرفته است نمی توان مجازات کرد و این حکم امکان تردید درباره درستی نکاح را از بین می برد.

با وجود این نباید چنین پنداشت که رضایت زن اول، شوهر را از رجوع به دادگاه بی نیاز می سازد. گذشته از رضایت همسر، دادگاه باید توانایی مالی مرد و امکان اجرای عدالت را نیز احراز کند؛ بنابراین شوهری که بدون اجازه دادگاه، زن دوم بگیرد مجرم است؛ هر چند که با رضایت همسر اول باشد.

در ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزمی است؛ چنان که مردی بدون ثبت کردن در دفتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق و رجوع مبادرت نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می گردد. [۸]

در اینجا موضوع دیگری، که قابل بحث است، تمکین و رابطه آن با ازدواج مجدد مرد است. تمکین در لغت به معنی تن در دادن است. [۹] و در عرف حقوقی ما دو



معنی عام و خاص دارد؛ تمکین عام به معنی قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اراده مالی و اخلاقی خانواده است، ولی تمکین خاص ناظر بر رابطه جنسی زن و شوهر و پاسخ دادن به خواسته‌های مشروع اوست که نقطه مقابل آن نشوز است که در لغت به معنی بلندی و تپه است. [۱۰] و در اصطلاح فقه نشوز عدم قیام زوج یا زوجه به وظایف زناشویی نسبت به دیگری است. نشوز مرد یعنی خودداری از همخوابگی او با زوجه در یک شب از چهار شب و امتناع از دادن نفقه به زن، که به او حق می‌دهد، که او را به وسیله حاکم به قیام به وظایف مزبور اجبار نماید. نشوز زن یعنی عدم اطلاعات او از زوج که بر مرد حق سختگیری و خودداری از دادن نفقه را می‌دهد. [۲]

صاحب جواهر می‌فرماید:

اگر هر یک از زن و مرد از حقوق واجبه خارج شوند، ظاهراً نشوز محقق می‌شود و بعید هم نیست این خروج به معنی ارتفاع هر یک از دیگری است. این معنا در کتب لغت صحاح، قاموس و مجمع نیز آمده است [۳] و در شرایع الاسلام آمده است: آن بیرون رفتن از فرمان و اطاعت است؛ یعنی بیرون رفتن یکی از زن و شوهر است از آنچه که واجب است بر او از حق آن دیگر و اطاعتش و این معنی شرعی نشوز است و به حسب معنی شرعی مخصوص است. نشوز به بیرون رفتن یکی از زن و شوهر از اطاعت آن دیگر در آنچه واجب است از برای او. [۱۱]

در قانون مدنی ایران آمده است: امتناع از وظایف زوجیت چه از جانب زوج باشد و چه از جانب زوجه به نام نشوز نامیده می‌شود؛ ممتنع اگر مرد باشد ناشز و اگر زن باشد ناشزه است. [۱۲]

و در صورت تمکین زن نفقه شامل او می‌گردد، ولی اگر زن به دلیل عذر شرعی تمکین نکند، نفقه‌اش ساقط نمی‌شود؛ مثل مریض بودن و...

پس اگر نشوز از جانب زوجه باشد، زوج می‌تواند با مراجعه به دادگاه درخواست ازدواج مجدد نماید و دادگاه با بررسی اوضاع و احوال زوجه در این مورد تصمیم می‌گیرد. این عدم تمکین زن به ازدواج مجدد مرد منجر می‌گردد، ولی یک استثناء در این مورد وجود دارد و آن این است که حق حبس از موارد نشوز نیست.

در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی آمده است: زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده است از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند. مشروط به اینکه مهر او حال باشد و این امتنان مسقط حق نفقه نخواهد بود. [۱۳] پس در موقعی که زن از حق حبس خود استفاده نماید مرد نمی‌تواند دادخواست ازدواج مجدد بدهد و این یکی از موانع قانونی ازدواج مجدد مرد است.

(بحث تمکین بسیار وسیع است که در اینجا مجال گفتن نیست.)

### نتیجه‌گیری

از این مقاله می‌توان این نتیجه را گرفت که در مورد تعدد زوجات نظریات مختلفی وجود دارد. فقه و حقوق اسلامی تعدد زوجات را به چهار زن دائم محدود می‌کند؛ البته با شرط رعایت عدالت. ولی قانون مدنی ازدواج مجدد را نهی نمی‌کند و آن را در شرایط خاصی می‌پذیرد که در تحلیل مقاله توضیح داده شد. مقاله با این حدیث از وسایل الشیعه به پایان می‌رسد که پیامبر عالیقدر جهان بشریت فرموده است:

برادرم جبرئیل به من خبر داد و همواره درباره بانوان به من سفارش می‌کرد تا جایی که گمان می‌کرد برای شوهران جایز نیست که نسبت به آنها کلمه اف بگویند. درباره آنها از خدا بترسید؛ زیرا آنها با پیمانهای الهی بر شما حلال شده‌اند و به شکل امانت‌های خدا در خانه‌هایتان به سر می‌برند.

منابع مأخذ

- ۱- مردانی، خیرالله «حقوق زنان از نظر تاریخ ملتها و اسلام» ۴۷ و ۴۶
- ۲- دهخدا، علی‌اکبر، «لغت نامه دهخدا» جلد ششم - ۱۵۵
- ۳- نجفی، محمدحسن؛ «جواهر الکلام» ۱۴۶
- ۴- صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله «مختصر حقوق خانواده» ۹۲
- ۵- امام خمینی، سیدروح الله، «ترجمه تحریرالوسیله» ۵۴۲
- ۶- حر عاملی، محمدبن حسن، «وسائل الشیعه» ج ۱۴ و ۲۲
- ۷- کاتوزیان، ناصر، «حقوق مدنی خانواده» ۱۲۱ و ۱۲۰
- ۸- منصور، جهانگیر، «قانون مجازات اسلامی» ۱۷۸
- ۹- امامی، سیدحسن «حقوق مدنی» جلد چهارم، ۴۴۷
- ۱۰- علیزاده، عمران «فرهنگ اصطلاحات فقهی» چاپ اول ۱۳۶۸، ۷۳۱
- ۱۱- یزدی، ابوالقاسم بن احمد، ترجمه شرایع الاسلام، ۶۶۴
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، «حقوق خانواده» ۱۷۳
- ۱۳- منصور، جهانگیر، «قانون مدنی، قانون اساسی» ۲۹۴
- ۱۴- طوسی، محمد، «الخلافا»



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی